

گاهنامه هنر و مبارزه

هنر جنگ

مأموریت‌های استعمار نوین و « اتحاد » پارلمان ایتالیا

مانلیو دینوچی

ilmanifesto.it

مرکز پژوهش‌های جهانی سازی، 21 ژوئیه 2020



وزیر دفاع ایتالیا لورنزو گرینی¹ رضایت خاطر خود را برای رأی یکپارچه پارلمان روی موضوع مأموریت‌های بین‌المللی ابراز داشت. در پارلمان ایتالیا به استثناء چند مخالفت درباره پشتیبانی از گارد ملی طرابلس، اکثریت و اپوزیسیون به شکل منسجم، بی‌هیچ رأی مخالف و غیبت اندک، 40 مأموریت نظامی ایتالیا در اروپا، آفریقا، خاورمیانه و آسیا را تأیید کرد.

اصل « مأموریت صلح » که طی دهه‌ها در پی جنگ‌های ایالات متحده آمریکا و ناتو در بالکان، افغانستان و لیبی (که ایتالیا در آن شرکت کرده است) ادامه داشته و به همان استراتژی تعلق دارد اکنون مجدداً تمدید شده است. به این جنگ‌ها چند جنگ جدید نیز افزوده شده: مانند عملیات نظامی اتحادیه اروپا در مدیترانه که رسماً برای پیشگیری از قاچاق اسلحه به لیبی طراحی شده، مأموریت اتحادیه اروپا برای

¹ Lorenzo Guerini

پشتیبانی از دستگاه امنیتی در عراق، مأموریت ناتو برای بالا بردن ظرفیت دفاع از کشورهای که در جبهه جنوبی اتحادیه واقع شده اند.

موضعگیری نظامی ایتالیا در آفریقای سیاه قویاً در حال توسعه است. نیروهای ویژه ایتالیایی در نیروی عملیاتی تاکوبا که در مالی تحت فرماندهی فرانسه می باشد شرکت دارد. نیروی عملیاتی تاکوبا در نیجریه، چاد و بوركینافاسو در چارچوب عملیات برکان^۲ با 4500 سرباز فرانسوی مجهز به خودروهای زرهی و بمب افکن عملیات انجام می دهد که از دیدگاه رسمی هدفش فقط سرکوب شبه نظامیان جهاد طلب اعلام شده است.

در مالی ایتالیا در مأموریت آموزشی اتحادیه اروپا نیز شرکت دارد که به نیروهای نظامی این کشور و کشورهای همسایه آموزش نظامی می دهد.



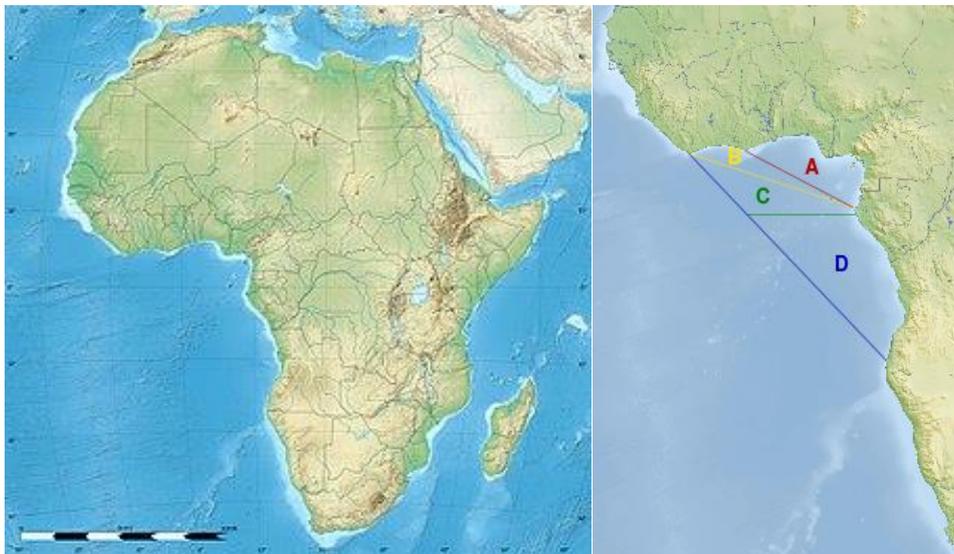
تفسیر عکس، مترجم: برکان - آموزش نظامی به جوانان مالی. تصاویر حرف می زنند. سربازان آفریقائی همیشه از تجهیزات نازلی برخوردارند و غالباً تصاویری که در رسانه های غربی از آفریقا منتشر می شود حاکمی از فاصله تمدنی و برتری نژادی غرب نسبت به جنوب جهان است (مانند فیلمهای هالیوودی). و چنین مداخلاتی تقریباً برای همه مردم اروپا امری عادی و به روزمره تعلق دارد، به این معنا که فرهنگ حاکم همچنان فرهنگ

استعمارگران است. در مداخلات سخت، دولتهای استعمارگر به مردم خودشان اطمینان می دهند که سلاح های آنان برتر است و خطری متوجه آنان نیست و مردم اروپای غربی نیز هم صرفاً به دلیل امکان فنی در تصرف و غارت سرزمین های جهان جنوب و محکوم کردن مردم بی دفاع به روزمرگی، فقر و فقدان توسعه بدست دولتهای دست نشانده تسکین می یابند خصوصاً تا وقتی که از سبد سوپر مارش آسان چیزی کم نشده.

² Opération Barkhane

ایتالیا در نیجریه مأموریت دوجانبه خاص خود را برای پشتیبانی از نیروهای نظامی به انجام می‌رساند، و به همچنین در مأموریت اتحادیه اروپا در مبارزه علیه تروریسم و گروه‌های تبهکار^۳ در نیجریه شرکت دارد، فضای جغرافیائی مداخله نظامی نیجریه، مالی، موریتانی، چاد، بورکینافاسو و جمهوری بنین را در بر می‌گیرد.

علاوه بر این پارلمان ایتالیا استفاده از «امکانات هوا دریای ملی برای فعالیتهای حضور، حراست و امنیت در خلیج گینه» را تأیید کرده است. هدف اعلام شده عبارت است از «حراست از این منطقه برای منافع استراتژیک ملی، پشتیبانی از ناوگان بازرگانی ملی که در این منطقه رفت و آمد دارد».



اتفاقی نیست اگر مناطق آفریقائی که «مأموریت‌های صلح»^۴ معمولاً در آنجاها تمرکز دارد در عین حال دارای غنی‌ترین مواد اولیه استراتژیک نیز هستند، مانند نفت، گاز طبیعی، اورانیوم، کولتان (تانتان)، طلا، الماس، منگنز، فسفات و مواد اولیه دیگر که مورد بهره‌برداری شرکت‌های چند ملیتی ایالات متحده آمریکا و اروپائی قرار می‌گیرد.

ولی در حال حاضر انحصار چندتائی^۵ آنان به دلیل حضور فزاینده اقتصادی چین به خطر افتاده است. و به این دلیل که فقط با امکانات اقتصادی نمی‌توانند از نفوذ چین جلوگیری کنند و در حالی که می‌بینند نفوذ خودشان در داخل کشورهای آفریقائی رو به افول است، ایالات متحده آمریکا و قدرتهای اروپائی به

³ Eucap Sahel Niger

⁴ مترجم: توجه داشته باشیم که فرهنگ وژگان آتلانتیستها از همان منطقی استفاده می‌کند که لیبرالیسم به این معنا که فرهنگ وژگان و اصطلاحات همواره خلاف واقعیت را بازنمایی و نمایندگی می‌کند. «مأموریت صلح» یعنی در اصل مأموریت جنگی و ایجاد تنش و آشوب برای توجیه حضور نظامی به هدف غارت و تخریب اجتماعی در کشورهای هدف‌گیری شده با پشتیبانی از اوباش سیاسی. در جهان سرمایه‌داری لیبرال برای مثال «تعدیل ساختاری» یعنی اخراج کارمندان و کارگران و بطور کلی تخریب یا تروریسم علیه ساختارها و خدمات اجتماعی و هر چیزی که نشان از منافع عمومی دارد (به نفع منافع خصوصی).

⁵ oligopole

استراتژی قدیمی استعماری که کارائی بیشتری دارد متوسل می شوند : یعنی تضمین منافع اقتصادی خودشان با اتکا به ابزار نظامی، به علاوه پشتیبانی مقامات برگزیده محلی که بنیاد قدرتشان روی نیروهای نظامی بنا شده است.

مبارزه علیه شبه نظامیان جهاد طلب، یعنی همان انگیزه ای که رسماً اعلام شده مانند نیروی عملیاتی تاکوبا یک پرده استتار بیشتر نیست که پشت آن اهداف واقعی استراتژیک پنهان نگهداشته شده است. دولت ایتالیا اعلام کرد که مأموریت‌های بین المللی در خدمت « تضمین صلح و امنیت در این مناطق و برای حفاظت و سرپرستی مردم » خواهد بود. در واقع مداخلات نظامی با تقویت ساخت و سازهای بهره برداری از منابع مردم منطقه را در معرض خطرات بعدی قرار می دهد که عبارت است از وخامت فقر آنان و افزایش بی در پی موج مهاجرت به سوی اروپا.

برای حفظ هزاران سرباز و خودروی نظامی که در این مأموریت‌های نظامی به کار گرفته می شود، ایتالیا در طول یک سال مستقیماً یک میلیارد یورو هزینه می کند که با استفاده از مالیات مردم پرداخت می شود، و نه فقط از سوی وزارت دفاع بلکه از سوی وزارت کشور، وزارت اقتصاد و امور مالی و از سوی ریاست شورا.

ولی این مبلغ فقط نوک کوه یخی از افزایش بودجه نظامی را نشان می دهد (سالانه بیش از 25 میلیارد یورو)، زیرا تنظیم مجموع نیروهای نظامی در این استراتژی را نیز باید یادآور شویم. با تأیید پارلمان و با اتفاق آرای اکثریت پوزیسیون و اپوزیسیون.

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/parlement-soude-sur-les-missions-neo-coloniales/5647571>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/23 ژوئیه 2020